



بررسی شهادت زن در قوانین موضوعه ایران و مبانی فقهی

۱- ساره زرین جو الوار ۲- انور یداللهی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد ایلام

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ایلام

چکیده:

حقوق، یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است. پاره‌ای از تکالیف، حقوق و مجازات‌ها را برای مرد مناسب دانسته و پاره‌ای از آن‌ها را برای زن. در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در مواردی دیگر وضع نامشابه‌ی در نظر گرفته است. اما امروزه یکی از مسائل مهم و مورد توجه جامعه بین المللی، مسأله حفظ و رعایت حقوق زنان، مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. این احساس مخصوصاً در بین بسیاری از زنان وجود دارد که در طول تاریخ به آنها ستم رفته و حقوق و شأن انسانی آنها رعایت نشده است و حتی در دوران کنونی نیز با همه پیشرفت‌هایی که نصیب زنان شده، باز هم در بسیاری از موارد شأن انسانی آنها رعایت نمی‌شود. معمول است که وقتی از حقوق زنان بحث می‌شود، راجع به شهادت دادن آن‌ها نیز سخن به میان می‌آید. البته شهادت جزء حقوق نیست و تکلیف محسوب می‌شود؛ گاهی اوقات همین عدم تفکیک حقوق و تکالیف باعث بروز سوء تعبیرهایی می‌شود. اما در بسیاری از حقوق و جزئیات اسلام، مرد و زن با هم تفاوت‌هایی دارند. مثلاً اگر مردی مرتد شود با شرایطی حکم او قتل است ولی اگر زنی مرتد شود حکم او قتل نیست یا اسلام وظایفی را بر دوش مرد قرار داده که بر عهده زن قرار نداده است، و یا وظایفی برای زنان مقرر شده است که بر مردان مقرر نشده است. دلیل این تفاوت‌ها، متفاوت بودن مکانیسم خلقی زن و مرد است. زیرا روحیات و اخلاق زن و مرد یک جور نیست. بر این اساس توقعی که خداوند از زن دارد با توقعی که از مرد دارد یکی نیست. خداوند زن را برای امری خلق کرده و مرد را برای هدف دیگری آفریده است. این دو گرچه از یک جنس‌اند ولی هرگز با هم مساوی نیستند. بنابراین عدالت اقتضاء می‌کند که وظایف و تکالیف آنان هم یکسان نباشد، چرا که اگر یکسان باشد خلاف عدالت پروردگار است.

احکام و قوانینی که از سوی خداوند برای بشریت وضع شده است مطابق نظام تکوین و حقایق جهان هستی و ساختار وجودی انسان است. از آنجا که ساختار وجود جسمی و روحی زن با مرد متفاوت است، وظایف، تکالیف و احکام این دو نیز مساوی نیست. یکی از تکالیف اداء شهادت در نزد قاضی است که باید مطابق واقع باشد و تحت تأثیر عواطف و احساسات و عوامل غیر واقعی نباشد تا حتی از کسی ضایع نشود. بدین جهت در بعضی موارد، اصلاً شهادت زن‌ها قبول نمی‌شود، همانطور که در بعضی موارد نیز اصلاً شهادت مردها قبول نمی‌شود. باید توجه داشت گواهی دادن یک وظیفه و مسئولیت است نه یک حق، پس اگر شهادت برخی از افراد در دادگاه پذیرفته نشود، یا کم‌تر پذیرفته شود، گویای سهل‌تر بودن تکلیف و مسئولیت آنان است نه تضییع حقوق آن‌ها. لذا هدف مقاله حاضر بررسی شهادت زن در قوانین موضوعه ایران و مبانی فقهی می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - کاربردی بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در آن از طریق مطالعات اینترنتی، کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که قضاوت کلی درباره احکام اسلام یا قوانین موضوعه، قضاوت یک جانبه و به دور از عقل و منطق است و نمی‌توان با نگاه کلان این ادعا را پذیرفت که احکام و قوانین ارت یا دیه یا شهادت یک طرفه می‌باشد. بنابراین ادای شهادت تکلیف است نه حق، برداشتن تکلیف از عهده زنان به نفع آنان می‌باشد، پس نقص زن یا پایمال شدن حقوق زنان محسوب نمی‌گردد.

کلید واژگان: شهادت زن، قوانین موضوعه، مبانی فقهی

۱- مقدمه

اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه‌ی خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش و آنچه در جهان امروز می‌گذرد، متفاوت است. اسلام برای زن و مرد در همه‌ی موارد یک نوع